

تحلیلی از:

خطبه «نور» منہج البلاغہ

۲



استاد:
محمد تقی شریعتی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ الْمَلُوْةِ وَالسَّلَامُ عَلٰی اَسْرَفِ
الْخَلَائِقِ اَجْمَعِیْنَ وَالْمُرْسَلِیْنَ . سَيِّدِنَا وَنَبِیِّ نَا اَبِی الْقَاسِمِ
وَمُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَطَاہِرِیْنَ . لَعَنَ دَاثِمٌ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ
مِنَ الْاَنِّ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ . رَبِّ اَخْرِجْ لِيْ حُدْرٰی وَبِیْرُلَسٰی .
اَمْرٰی وَاَحْلِلْ عَفْءَہُ مِنْ لِسَانِیْ بِفَمِّہَا قَوْلِیْ .

دیروز تا اینجا رسیدیم :

واعلم انه ليس على احد وبعده القرآن من فاقه . لا احسد
قبل القرآن من غنا واستشفوه من ادواكم ويستعينون به
بلى فان فيه شفاء من اكرداره . وهو الكفر ونفاق والفسى
والظلال . به ما توجه العبالى الله به مثل .

باید بدانید که بعد از آنکه قرآن نازل شد برای نیاز به هدایت‌گر
دیگری باقی نبود و قبل از قرآن هیچ نیازی برای کسی نبود پس از دردها نشان
برای دردها تا آن قرآن شفا بگیرد و بر شدت‌ها یگان از قرآن کمک بخواهید
برای اینکه در قرآن شفاى از بزرگترین دردها است که آن عبارتست از کفر
ونفاق و کجروی و گمراهی . قرآن است که اگر درست به آن توجه بشود و
معانیش درک بشود افراد را از گرویدن به کفر و مگاشابی دینی و ضد خدایی
باز میدارد و از گمراهی و کجروی جلوگیری می‌کند پس بسبب قرآن از خدا
بخواهید و بپرسید آنچه میخواهید توجه کنید به خدا بسبب دوستی قرآن و

به قرآن از مخلوق چیزی نخواهد و آنرا وسیله کسب قرار ندهیم. انه ما
انه ما توجه العباد الى الله به مثله .

که بندگان خدا مانند قرآن به چیز دیگری بخدا متوجه نشوند.
" واعلموا انه شافع ومسفع " .

فسح دیگر " و " ندارد شافع مشفع فرقی هم نمی کند بدانند

فسح دیگر " و " ندارد شافع مشفع فرقی هم نمی کند و بدانند قرآن

شفاعت کننده ای است که شفاعتش در پیشگاه پروردگار پذیرفته است .

" وفائل وممدق " قرآن سخن میگوید و مورد تصدیق پروردگار است

" من شفيع له القرآن يوم القيامة وشفيع فيه " هرکس قرآن

برای او در روز رستاخیز شفاعت کند شفاعتش درباره آن شخص پذیرفته میشود

" ومن محل به القرآن يوم القيامة صدق عليه " قرآن از او در

پیشگاه خداوند در روز رستاخیز بدگویی کند و شرور او را بیان کند " محل "

در اصل لغت عربی گفته میشود که یک مردی از پیش پادشاهی، امپراتری ،

فرمانروایی از کسی مذمت کند و بدیهای او را بازگو کند " محل " است اگر

از فردی در رستاخیز در دادگاه عدل الهی بدگویی را بگوید شرور را نقل کند

از او قبول میشود . " ومن محل به القرآن يوم القيامة صدق عليه "

تصدیق میشود . همچنین وقتی از کسی به نیکی می گوید مورد تصدیق قرار

میگیرد و شفاعتش پذیرفته میشود اگر از کسی شفاعت کرد و هم اگر از کسی

نکوهش و بدیهای او را گفت باز مورد تصدیق خداوند قرار میگیرد .

" فانه بنادي منادي يوم القيامة الا ان كل حارث تبلى في حرثه

وما قبله عمله غير حرثه القرآن فكونوا من حرثه واتباعه واستدلوه على

ربكم " میفرماید برای اینکه در روز رستاخیز ندا کننده ای البته از جانب

خداوندند اما میکنند که هان : محققا " هرکشا ورزی و هرکاسمی " حرث " به
معنی مطلق کسب است و کشا ورزی و هرکسب کننده ای در هر سفلی و کاری باشد
" مینلا فی حرثه " . در کشت خودش مختار است و خواه ناخواه در ضمن انجام
این کسب ، عمل ، زراعت ، فلاح و همه اینها چه بسا برای طرف ، برای
کسب کننده ، برای کشت کننده ، لغزشها پیش می آید بنا بر این هر فردی
هرکس ، هر نوع کاری و کسبی و کشتی دارد و گرفتار است در کسب خودش .
" غیر حرثه القرآن " مگر کسانی که از کشا ورزان و از کسب کننده -
گان قرآنند . " فکونون حرثه و اتباعه " پس شما بکوشید از کشا ورزان
قرآن و از پیروان قرآن باشید . " واستدلوه علی ربکم " از قرآن دلیل
بگیرید بر پروردگارتان . برای اثبات خدا به قرآن متوجه بشوید .
" و ادله و براهین محکم " اثبات ذات مقدس حق را در قرآن بجوئید
" واستضوه علی انفسکم " و از قرآن بر خودتان خیر خواهی بجوئید .
" واتهموا علیه آرائکم واستفسوا فیہ احوالکم " . امیال و
هوسهای خودتان را ناسره و مغشوش بینگارید . " العمل ، العمل " کار ،
کار " ثم نهایته نهایته " بعد از کار فرجام کار را در نظر بگیرید ، فرجام
که هر عملی چه نتیجه ای برش بار خواهد بود ، چه فرجامی خواهد داشت .
متوجه فرجام و عمالیکه انجام میدهد باشید . " الاستقامه استقامه "
پا برجاشی و پایداری و ثبات و استقامت و استقامت در کارتتان داشته باشید .
شاید در او اخرا این خطبه است یا خطبه دیگر که می فرماید : " ایاکم
والبیون فی دین الله " . بهره یزید از اینکه در دین خدا " تلون " به
خرج بدهید هر روزی دنبال یک آواز راه بیفتید ، هر روز یک دعوتی را
بپذیرید ، هر روز یک مکتبی را قبول کنید ، شما در راه دین تان ، شما که

با عمر آن آشنا هستید به قرآن توجه کنید و استقامت بخرج بدهید.

پیغمبر اکرم فرمود: " شَبَّتَنِي سُورَةُ هُودٍ " سوره هود را بسز کرد
برای اینکه در سوره هود آمد: آنطوریکه با مور هستی استقامت به خرج
بده، با برجا باش در کارت، هر روز بر حسب وضع زمان که عوض میشه تسو
خودت رو عوض نکن و دنبال هر بادی نرو. ^۱ در اون خطبه ای که مولا دست
کمیل را گرفت و بر دبه طرف قبرستان یا صحرای که هر دو معنی میدهد "جانه"
و آنوقت به او گفت: ای کمیل " ان هذا القلوب وعینه نصیرها اومسها "
این دلها طرفند. بهترین اینها آن دلی است که مطروف خودش را آنچه
برش وارد میشود و آنچه میشود می پذیرد این دردش بماند، نه اینکه
هر ساعتی دنبال کسی و دنبال راهی و دنبال جمعیتی و مکتبی راه بیفتند
آن وقت گفت: پس از من بشنو: " الناس ثلاثة مغالمة ربانی و متعلم
علی سبیل النجات یا طریق النجات ". مردم به سه قسمند یکی علمسای
ربانی اند در نهج الملائه در این جمله " استمعوا من ربانیکم " از ربانی
خودتان بشنوید و " احضوه احضروه قلوبکم " و دلها بتان را برای شنیدن
سخنان او آماده کنید، عبده میگوید: ربانی اینجا خود ملاست، بنابراین
در اینجا هم که می فرماید مردم به دسته هستند: اول آن عالم ربانی
است منظور ائمه (ع) هدایت مهربین هستند " و متعلم علی الطريق النجات "
و کسانی که علم را برای تهیه فرا گرفتن راه نجات می آموزند، سایر
علمایی هستند که از چشمه زلال علوم ائمه (ع) بهره مند میشوند و همج
رعاع " و بگدسته این بته ها، سگهای ریزی هستند و افراد پستی هستند که
از او تعبیر به بته و مکی می کند. " اُتْبَاعُ كُلِّ نَاعٍ " اینها هر فریادی که
از جایش بلند میشود اینها ازش پیروی می کنند " یَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيسٍ "

با هریادی مثل این پشه‌هایی که در بیابان در اطراف مدفوع فلان حیوان چرخ میزنند. با یک نسیم مختصری از یک طرف می‌آید همه به طرف دیگر رانده میشوند. " أَتَبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعِ كُلِّ رِيحٍ أَمْ يَتَّبِعُونَ النَّاسَ يَمِيلُونَ عَلَى مِثْقَالِ عُذْقٍ أَذْهَبْتُمْ الْبَصِيرَةَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ " اینها همبند طور نگاه میکنند که ببینند از کجا صدا بلند میشود دنبالش راه می‌افتند. اینجاست که استقامت اینقدر اهمیت دارد که پیغمبر میفرماید: سوره هود برای جمله " فَاسْتَعْمُوا كَمَا أَمَرْتُ " سوره هود مرا پیروی کنید. قرآن هم تحلیل کرد " أَنْ الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَقَامُوا " کسانی که ایمان آورده‌اند با پایداری می‌کردند. " الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا " و کسانی که گفتند پیرو ردگار ما خداست و بعد با برجاشی و پایداری کردند. " نُنزِلُ لَهُمْ الْغُلَامَ الَّذِينَ كَانُوا يُرِيدُونَ الْحَرَمَ لِيَكُونَ لَهُمْ عُرُوقٌ حَرِيمَةٌ " " الْأَسْقَامَةُ اسْتِقَامَةٌ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ " استقامت است، صبر چند نوع است :

۱ - صبر بر مصیبت کسانی که فرزندانشان شهید میشوند که خدا همه شان را با شهدای گریلا محصور می‌فرماید.

این داغ‌دیده‌ها، این‌ها که در سوگ مفارقت فرزندان می‌گذرانند ولی از راه خارج نمی‌شوند.

" نُنزِلُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةَ " ملکه رحمت بر این افراد نازل میشود. برای این استقامت و برای این صبر که در مصیبت بعد صبر بر مصیبت است یک کسی مواجه میشود با یک مصیبتی، یک جوانی در اوج غریزه جنسی برخورد میکند با طرفی که میتواند به او دسترسی پیدا کند، در اینجا صبر باید بکند. سوره یوسف عفت یوسف را و صبر او را در برابر نفاق‌های ذلیف

ستایش میکنند. برای اینکه درسی برای سایرین و بالخصوص جوانان باشد و صبر بر عبادت که این خسته نشود به محض اینکه دو رکعت نماز میخوانند نه دیگر فوری ولش کند. دنبالش را بدون تعبیری، بدون ذکر اینجور نیاشد. امیرالمؤمنین برای این خطبه راجع به نماز میگوید: "عاهدوا أمر المطوة، وَكَانَ نَسِيًّا وَمَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَاللَّهِ يَا مَرْيَمُ اَلْهَلْهُ وَيَصْبِرْ عَلَيْهَا نَفْسُهُ". پیغمبر اکرم خاندانش را، خانواده اش را فرمان میداد به نماز و خودش در عبادت پایداری میکرد و زیاد عبادت میکرد بخدی که از کثرت ایستادن در محراب پای مبارکش ورم کرد و دیگر تاریخ برای کس دیگری این خصوصیت را نقل نکرده جز برای حضرت زهرا سلام الله علیه.

" وَقَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا فِي وَرَمَتْ قَدَمَاهَا " زهرا هم اینقدر در محل عبادتش ایستاد به تقلید پدرش و به پیروی از او که پای مبارکش ورم کرد. صبر بیشتر در جانشیکه بدجور تبلیغ شده که در برابر توستوی خوردن، در برابر ستم کشیدن، آدم صبر کند.

در قرآن بیشتر موارد که صبر بکار رفته است صبر در میدان جنگ است " اِنْ كَانَ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ تَعْلَمُوْا مَا تَمِيْنٌ " اگر از شما بیست نفر صابر باشند یعنی مقاوم باشند، باید در جنگ برد و بیست نفر غلبه میکنند بعد در حکم اول چنین بود یعنی هر فردی از مسلمین باده نفر از مشرکین یا بدبرابر میتواند باشد بعد در آیه دیگری فرماید: خداوند در شما ضعف می بیند و می بیند آن حرارت اول اسلام با آن صبر و پایداری تا حدی ضعیف شده بود که اینجایی گوید اگر از شما ده نفر باشند بر بیست نفر غلبه میکنند. ولی در هر دو مورد می فرماید: اگر صابر باشید.

صبر اینجا، صبر در میدان جنگ که آدم زود جا خالی نکند و مقاومت

و یابرداری کنند در آن آیه می گوید " لَيْسَ اللَّهُ أَنْ يُؤَلِّمَهُمْ قَبْلَ -
 الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلِيَكُنَ اللَّهُ مِنْ آمِنٍ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَاللَّهُ رَاحِمٌ
 وَآتَى الْمَالَ حَيْهَ تَا... الْحَابِرِينَ " . " الباساء وَالانصروحين النّاس " .
 کسانی که ما برنده شدتها صبر میکنند زود از میدان در نمی روند در ضررهای
 مالی و زیانهای تجاری و کسی صبر می کنند و صابریین " فی الباساء و
 الضّارّ " در هنگام جنگ صبر می کنند دیگر وقتتان را با آیات دیگر نمی گیریم
 ملاحظه می فرمائید که در قرآن صبر بیشتر در مقاومت در میدان جنگ بکار
 می رود و همچنین مقاومت در زندگی .

و چنین نیست که در تفسیری خوردن کمی ما موربه صبر باشد " وَإِذَا
 أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ " .

از نشانه های مومن در قرآن یکی اینکه وقتی ستمی به ایشان میرسد
 ایشان انتقام میکشند . چنین نیست که دست روی دست بگذارند مگر این
 که در برابر طرف عاجز باشند . آن بحث دیگری است که نتوانند کاری بکنند
 در هر حال " وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ " پارسایی ، پارسایی . حرص بدنی را کنار
 بگذارید " ان لکم نهایتا " اغتصوا لی نهایتکم " برای شما یک عاقبتی
 است شما به عاقبت خودتان ، خودتان را برسانید و آن عاقبت خیری کسبه
 مومن باید نتیجه عمرش باشد . " وَأَنْ لَكُمْ عِلْمًا تَأْتُوا بِهِ بِمِلْكٍ " .

علم در اینجا بطور لغت به معنی پرچم و به معنی نشانه است .
 اینجا باز شارحین که از جمله شاید عباد است .

میگوید : مولا از الهی که در اینجا نقل میکند منظور شخص خودش
 است که می فرماید : " وَإِنْ لَكُمْ الْمَأْتُوا بِهِ عَلَيْكُمْ " شما یک پرچم
 دارید که علی است از او هدایت بگیرید راه او را در پیش بگیرید و ببینید چه

راهی می‌رود و چکاری می‌کنند شما از او هدایت بگیرید " و آن لایلام غایت
 فانتس هوالی غایت " اسلام هدفی دارد، ای دادگه اغلب از اوقات مانده
 را جای هدف می‌گیریم بطور مثال شما فرض بفرمایید: شما اینجا تشریف
 دارید فلان آقای بازاری دیگری ای فلان منبر رفته، منبر مفیدی که در این
 جا آیه و حدیث مطرح می‌شود بعد که منبر تمام شد بخصوص اگر ختم بگیرد شود
 این با خاطری جمع که از همه گناهان پاک شده از جاها می‌شود یعنی خود
 این مجلس را که مقدمه است برای فرا گرفتن احکام الهی، برای یاد
 گرفتن دستورات دینی خود این را هدف حساب می‌کند و فکرمی کند که با شستن
 زپای منبر و چند قطره اشک ریختن او دیگر وظیفه مسلمانی اش را عمل کرده
 در صورتیکه این مقدمه است و این مقدمه ها جای هدف گرفتن بیشتر کار -
 های ما را بی نتیجه کرده که ما فرضی نمی‌گذاریم ما بین هدف و ما بین
 مقدمه، و مقدمه را در جای هدف می‌گیریم در کارهای دنیایی هم همینطور
 است در کارهای آخرتی هم، " و آن لایلام غایت فانتس هوالی غایت و آخر جو
 الی الله بمتعبر عن الله علیکم بالحقیقه " از حق خدا بیرون می‌آئید،
 بیرون بیائید به طرف خدا به سبب آنچه بشما واجب کرده است از حق که
 بر بندگان دارد " بین لکم من وظائفه " و بیرون بروید بسوی خدا از انجام
 حقش و از آنچه بیان کرده برای شما از وظائفش " انما شهید لکم و جمیع یوم
 القیامه عنهم " بخدا قسم این بشارت بزرگی است برای شیعه، بفرماید:
 " ان شهید لکم " امام و پیغمبر مطابق نقل قرآن در رستاخیز برای امتنان
 و مومنینشان در پیشگاه عدل الهی که محاکمه افراد سبأید اینان گواهی
 می‌دهند، شهادت می‌دهند به خیر نیکنان و به بدی بدان،
 " یوم ندعوکل اناس الی الله " روزیکه هر طایفه‌ای را، هر

مردمی را با ما نشان بخوانید. چرا با امام بخوانند؟ برای اینکه امام
بیاید گواهی بدهد در بین امت که چه کسانی بهشتی اند و چه کسانی
دوزخی اند. " حجج يوم القيامة عنهم " استدلال میکنند در روز قیامت
سوی شما. احتجاج می کنند. همین شهادت را تبدیل به احتجاج استدلال
کرده برای اینکه وقتی اوشهادت میدهد در آنجا چون مورد تقرب پروردگار
است و بد قول عبده امام دارای علوم مقام در پیشگاه پروردگار است.
شهادتش قبول است و خود آن شهادت مثل اینست که استدلال بنفع
این فرد یا این جمعیت کرده. " انا شهيد لكم " من گواه برای شما
هستم " و حجج يوم القيامة عنهم " و از جانب شما به سود شما استدلال
می کنم در رستاخیز. خدا یا همه ما را از شیعیان علی محسوب بفرما.
خدا یا بحق محمد و آل محمد این جوانان را که خیر در پیش دارند
موفق و موفق گردان.

والسلام

نگهبانان و امداداران کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی